

ORIGINAL ARTICLE

The Effectiveness of Social, Emotional, and Behavioral Skills Training on Dysfunctional Attitudes and Effective Communication with Peers in Elementary School Students with Social Communication Disorders in Tehran

Marjan Rayatpour Lahaghi¹, Majid Saffarinia^{2*} 

1. M.Sc. of Educational Psychology,
Payame Noor University, Tehran,
Iran.

2. Prof. Department of Psychology,
Payame Noor University, Tehran,
Iran.

Correspondence:

Majid Saffarinia

Email: saffarinia@yahoo.com

Received: 28/Dec/2025

Revised: 15/Feb/2026

Accepted: 28/Feb/2026

Published: 21/Mar/2026

How to cite

Rayatpour Lahaghi, M. & Saffarinia, M. (2026). The Effectiveness of Social, Emotional, and Behavioral Skills Training on Dysfunctional Attitudes and Effective Communication with Peers in Elementary School Students with Social Communication Disorders in Tehran. *Education and Exploration in Learning, Behavior and Cognition*, 2 (1), 39-48. (<https://doi.org/10.30473/elc.2026.77835.1013>)

ABSTRACT

The aim of the present study was to investigate the effectiveness of social, emotional and behavioral skills training on ineffective attitudes and effective communication with peers in students with social communication disorder. The research method was a quasi-experimental design with a pre-test and post-test design with an experimental and control group. The statistical population included sixth grade male students in Tehran in the academic year 1403-1404. The sample size was 30 people selected purposively and randomly assigned to two experimental groups (15 people) and a control group (15 people). The data were interpreted using SPSS software and descriptive statistics (frequency, percentage, mean and standard deviation) and then inferential statistics to obtain analysis of covariance. To screen for social communication disorder, the students were selected based on the diagnostic criteria in DSM-5-TR, diagnostic interview, and teacher opinion. The Alessandro and Burton (2006) Dysfunctional Attitudes for Children and Adolescents Questionnaire and Mavroli's (2008) Peer Relationship Questionnaire were used to assess the variables. The experimental group underwent social, emotional, and behavioral skills training in 12 60-minute sessions (in person). The findings of the study showed that, after controlling for the pretest, there was a significant difference between the experimental and control groups in ineffective attitudes ($P < 0.005$ and $F = 8.25$) and effective peer relationships ($P < 0.015$ and $F = 6.12$) in people with social communication disorder; social, emotional, and behavioral skills were effective in reducing ineffective attitudes and increasing effective peer relationships in people with social communication disorder. Therefore, interventions based on social, emotional, and behavioral skills training can be used to improve the poor communication skills of adolescents with social communication disorder.

KEYWORDS

Social, emotional, and behavioral skills, Dysfunctional attitudes, Effective communication with peers, Social communication disorder.



آموزش و کاوش در یادگیری، رفتار و شناخت

سال دوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵ (۳۹-۴۸)

<https://doi.org/10.30473/elc.2026.77835.1013>

«مقاله پژوهشی»

اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری بر نگرش‌های ناکارآمد و ارتباط مؤثر با همسالان در دانش‌آموزان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی مقطع ابتدایی شهر تهران

مرجان رعیت‌پور لحاقی^۱، مجید صفاری‌نیا^{۲*} 

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری بر نگرش‌های ناکارآمد و ارتباط مؤثر با همسالان در دانش‌آموزان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی بود. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. حجم نمونه تعداد ۳۰ نفر به شیوه هدفمند انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) جایگزین شدند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و از شاخص‌ها و روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و سپس از آمار استنباطی برای بدست آوردن تحلیل کوواریانس تفسیر شدند. برای غربال اختلال ارتباط اجتماعی، دانش‌آموزان مدنظر با توجه به ملاک‌های تشخیص در DSM-5-TR، مصاحبه تشخیصی و نظر معلمان تعیین شدند و برای ارزیابی متغیرها از پرسشنامه‌های نگرش‌های ناکارآمد کودکان و نوجوانان دوالساندرو و بورتون (۲۰۰۶) و پرسشنامه ارتباط با همسالان کودکان ماورولی (۲۰۰۸) استفاده شد. گروه آزمایش در ۱۲ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای (حضور) تحت آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که با کنترل پیش‌آزمون بین گروه آزمایش و کنترل در نگرش‌های ناکارآمد ($F=8.25$ و $P<0.005$) و ارتباط مؤثر با همسالان ($F=6.12$ و $P<0.015$) مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد؛ مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری بر کاهش نگرش‌های ناکارآمد و افزایش رابطه مؤثر با همسالان در افراد مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی مؤثر بوده است. از اینرو می‌توان برای بهبود ضعف مهارت‌های ارتباطی نوجوانان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی از مداخلات مبتنی بر آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی

مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری، نگرش‌های ناکارآمد، ارتباط مؤثر با همسالان، اختلال ارتباط اجتماعی.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. استاد تمام گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

مجید صفاری‌نیا

رایانامه: saffarinia@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

استناد به این مقاله:

رعیت‌پور لحاقی، مرجان و صفاری‌نیا، مجید. (۱۴۰۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری بر نگرش‌های ناکارآمد و ارتباط مؤثر با همسالان در دانش‌آموزان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی مقطع ابتدایی شهر تهران. *آموزش و کاوش در یادگیری، رفتار و شناخت*، ۳۹-۴۸. (<https://doi.org/10.30473/elc.2026.77835.1013>)

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. ۱۴۰۵ ©. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)



مقدمه

دانش‌آموزان به عنوان ستون‌های اصلی نظام آموزشی از جایگاه خاصی برخوردارند. توجه به این گروه از جامعه، هم از جنبه‌های آموزشی و هم تربیتی، زمینه‌ساز رشد و شکوفایی هرچه بیشتر نظام تعلیم و تربیت خواهد بود (احمدی و همکاران، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای یک جامعه، نقشی کلیدی در فراهم کردن بستر مناسب برای پیشرفت و توسعه همه‌جانبه افراد ایفا می‌کند (جهانی و همکاران، ۱۴۰۳). در این میان دنیای ما با توجه به تغییرات سریع تکنولوژی روز به روز پیچیده‌تر می‌شود لذا کودکان و نوجوانان ما نیاز دارند تا راه و رسم زندگی در یک جامعه متنوع را بیاموزند، آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی در ابعاد مختلف زمینه مناسبی را برای عملکرد بهتر کودکان و نوجوانان فراهم می‌کند (پتیت^۱، ۲۰۲۳). اهمیت مهارت‌های اجتماعی به دلیل تأثیر مثبت آن در حوزه‌های مختلف مانند: همکاری با دیگران، کنار آمدن با چالش‌ها، سلامت جسمی و روانی، بهبود نتایج آموزشی، سطح شادی و رضایت از زندگی در رشد کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار گرفته است (مسکیل^۲، ۲۰۲۴). مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری که به عنوان مهارت‌های نرم شناخته می‌شوند، مجموعه‌ای از قابلیت‌ها هستند که به افراد کمک می‌کنند در تمام زمینه‌های زندگی روابط مثبت و سازنده‌ای را آغاز کرده و حفظ کنند، صمیمیت با همسالان را تقویت نمایند، سازگاری مؤثری در محیط‌های مختلف نظیر مدرسه به دست آورند و به آسانی خود را با شرایط مختلف وفق دهند؛ این توانایی‌ها نشان‌دهنده سلامت رفتاری و اجتماعی یک فرد هستند (فراکو و همکاران^۳، ۲۰۲۵). اما در نقطه مقابل، افرادی که از مهارت‌های اجتماعی لازم برخوردار نیستند، معمولاً با دشواری در تعاملات اجتماعی مواجه شده و کمتر قادر به سازگاری مطلوب با دیگران هستند. چنین افرادی ممکن است بیشتر در معرض مشکلات رفتاری و اجتماعی در مدرسه و جامعه قرار گیرند (استرادا و همکاران^۴، ۲۰۲۵).

خوشبختانه، آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی می‌تواند در هر سنی، حتی در بزرگسالی، انجام گیرد. اما بدون شک، اگر این آموزش‌ها از ابتدای کودکی آغاز شوند، در شخصیت فرد نهادینه خواهند شد و فرآیند رشد و ترقی او آسان‌تر خواهد بود (تقاضایی‌اول و خدابخش، ۱۴۰۴). این دوره که مهم‌ترین زمان شکل‌گیری شخصیت است، اغلب نادیده گرفته می‌شود چون تصور می‌کنیم کودکان فقط نیاز به توجه و مراقبت جسمانی دارند. تربیت باید از همان سنین ابتدایی آغاز شود تا تمامی ابعاد وجود کودک از جمله رشد اجتماعی، عاطفی،

هوشی و شخصیتی او شکل گیرد. کودکان تا سه‌سالگی بیشتر رفتارهای غریزی از خود نشان می‌دهند و باید تا حدودی آزاد باشند، اما پس از آن شروع به یادگیری رفتارهای اکتسابی از محیط اطراف خواهند کرد و تمامی جوانب رفتار بزرگسالان، چه مثبت و چه منفی، را می‌آموزند (زائر و عزیزی، ۱۴۰۴). هرچه روابط کودک گسترده‌تر باشد، احتمالاً در مواجهه با گروه همسالان اجتماعی‌تر، با اعتماد به نفس‌تر و حتی در برخی موارد خوش‌صحبت‌تر خواهد بود. با شروع مدرسه، کودک وارد مرحله‌ای می‌شود که ارتباط با گروه همسالان آغاز شده و از ده سالگی تا پایان بلوغ این رابطه محکم‌تر و احساسی‌تر می‌شود، تا جایی که نوجوان در بسیاری از موارد خود را جزئی از گروه می‌بیند و نه یک فرد مستقل (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۴). در این زمان، وظیفه اصلی والدین و مراقبان ارائه الگوهای مناسب رفتاری است که از طریق رفتار درست خود به کودک منتقل می‌شود. پس از آن، نظارت بر رفتار دیگران مانند خواهرها و برادرها، دوستان و همچنین گروه همسالان بسیار اهمیت دارد (لیانو و همکاران^۵، ۲۰۲۴). رعایت ارزش‌هایی چون احترام به حقوق یکدیگر در خانه، گوش‌دادن به حرف‌های دیگران، بیان عقاید به شیوه‌ای صحیح و مؤدبانه، دفاع دوستانه از حقوق خود و پرهیز از بدبینی و بدگویی باید در خانواده رعایت شود تا کودکان و نوجوانان با ذهنی آرام و بدون دغدغه آماده پذیرش دیگر رفتارهای اجتماعی مناسب باشند (اصلانی و همکاران، ۱۴۰۳).

اختلال در رشد اجتماعی نتیجه بی‌نظمی شخصیتی و عقده‌های پیچیده روانی است. ناسازگاری، بدخلقی، رفتارهای هیجانی مانند خشم و ترس خصوصاً در جمع، زودرنجی، خجالتی بودن، قهرهای بی‌دلیل و مشاجره هنگام بازی با همسالان و بروز رفتارهای نابالغ نشانه‌ای از ضعف مهارت‌های ارتباطی در فرد هستند (ملک‌پور و همکاران، ۱۴۰۲). همانطور که نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری در اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان نقش چشمگیری دارد؛ فراسکو و همکاران^۶ (۲۰۲۵)، در پژوهش خود نشان دادند که یادگیری این مهارت‌ها، موفقیت تحصیلی را تضمین می‌کند و نقش عمده‌ای در میزان رضایت از زندگی ایفا می‌کنند؛ کمبل و همکاران^۷ (۲۰۲۳)، در پژوهش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری برای یادگیرندگان دارای مشکلات هیجانی و رفتاری «برای دانش‌آموزان مقطع دبستان نشان دادند که این مداخلات تأثیرات مثبتی در تجربیات دانش‌آموزان و اصلاح مشکلات رفتاری آنها با توجه به گزارشات معلمان داشته است. همچنین در

5. Liao & et al.

6. Feraco & et al.

7. Campbell, Sallese, Thompson, Burke & Allen

1. Petit

2. Meskil

3. Feraco & et al.

4. Estrada & et al.

عملکرد آموزشی و موقعیت‌های اجتماعی تأثیر ویژه‌ای داشته است؛ گوا و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، در پژوهش نقش مهارت‌های اجتماعی-هیجانی در موفقیت تحصیلی و زندگی دانش‌آموزان نشان داده شده است که مهارت‌های اجتماعی-هیجانی برای بسیاری از پیامدهای مهم زندگی دانش‌آموزان مفید هستند. نقش این مهارت‌ها در مورد خودکنترلی، اعتماد، خوش‌بینی و انرژی مضاعف بوده است؛ بیگام و مک‌دانیل^۲ (۲۰۲۳)، نشان دادند که مهارت‌های اجتماعی و هیجانی سازگاری اجتماعی کودکان را افزایش داده و به آمادگی کودکان برای ورود به زندگی اجتماعی کمک می‌کند. اجرای این مهارت‌ها در دوره پیش‌دبستانی و دبستان موجب شایستگی اجتماعی و عاطفی و کاهش رفتارهای مشکل‌ساز در نوجوانی و جوانی می‌شود. فرهادی‌پور و همکاران (۱۴۰۴)، که اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی-هیجانی را بررسی کردند، نشان دادند که آموزش این مهارت‌ها باعث افزایش سازگاری اجتماعی و خودتنظیمی کودکان شده و موجب موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. جهانی و همکاران (۱۴۰۲)، نشان دادند نبود این مهارت‌ها می‌تواند مشکلات متعددی در روابط بین فردی و حوزه‌های رفتاری-عاطفی به وجود آورد و با آگاهی دادن به معلمان نهاده‌سازی مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان در کوتاه‌مدت و بلندمدت صورت گیرد. شهرکی، احمدی و غضنفری (۱۴۰۲)، در پژوهش خود چنین نتیجه گرفتند که مهارت‌های زندگی با آشنایی دانش‌آموزان با نقاط قوت و ضعف خود، مهارت ارتباط مؤثر و همدلی، مدیریت هیجانات، مهارت حل مسئله و تفکر خلاق می‌تواند به عنوان یک روش مؤثر و کارا جهت بهبود مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی است. نتایج مطالعه زیرک‌پور و نجارپور (۱۴۰۰)، در پژوهش آموزش مهارت‌های زندگی به شیوه گروهی بر مشکلات بین فردی و احساس تنهایی دانش‌آموزان دختر نشان دادند که آموزش مهارت‌های زندگی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کاهش مشکلات بین فردی و احساس تنهایی داشت، و این بهبود حتی پس از یک ماه در مرحله پیگیری نیز همچنان پایدار باقی ماند. بنابراین، می‌توان از طریق آموزش این مهارت‌ها، مشکلات بین فردی و احساس تنهایی دانش‌آموزان را به طور مؤثرتری کاهش داد (فرهادی‌پور و همکاران، ۱۴۰۴).

علاوه بر ارتباطات و تعاملات اجتماعی، یکی از شایع‌ترین مشکلات دانش‌آموزان نگرش‌های ناکارآمد است که با مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی آنها پیوند عمیقی دارد. نگرش‌ها و

باورهایی که فرد را مستعد آشفته‌گی روانی می‌کنند و باعث می‌شوند افراد موقعیت‌های خاص را به‌طور افراطی منفی و ناکارآمد تفسیر کنند (مؤمن‌پور و همکاران، ۱۴۰۱). نگرانی درباره اشتباهات خویش باعث می‌شود فرد عملکرد منفی و نامناسب داشته باشد، دانش‌آموزی که دچار نگرش ناکارآمد است تصور می‌کند که در هر موقعیت و شرایط اجتماعی مورد نقد قرار گرفته و احساس می‌کند طوری رفتار می‌کند که مورد تحقیر و سرزنش دیگران قرار می‌گیرد (وودز^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). نگرش‌های ناکارآمد عامل مهمی در گرایش افراد به رفتارهای بزهکارانه محسوب می‌شوند. این باورها تحت تأثیر احساس شرم و گناه، توقعات غیرواقعی از خود و مشکلات در ابراز همدلی و مسئولیت‌پذیری هستند. رفتارهای بزهکارانه و پرخاشگرانه کودکان که ناشی از نگرش‌های ناکارآمد است، افزایش آسیب‌پذیری، سرزنش و طرد آنها را به همراه دارد. به این ترتیب احتمال بروز اختلالاتی مانند اضطراب، افسردگی و پرخاشگری در آنها بیشتر می‌شود (براون و همکاران^۴، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، نوجوانان با نگرش‌های ناکارآمد در تعاملات اجتماعی از جمله پاسخگویی به نشانه‌های غیرکلامی در احساسات دیگران و شرکت در موقعیت‌های اجتماعی که نیازمند کنترل و همکاری هستند نارسایی دارند. آنها در ارتباط با دیگران رفتارهای پرخاشگرانه زیادی نشان می‌دهند و به این ترتیب ایجاد و حفظ روابط دوستانه برای آنها بسیار دشوار می‌شود (طباطبایی و همکاران، ۱۴۰۲). همچون پژوهش‌های یو و همکاران^۵ (۲۰۲۴)، که نشان داد مهارت اجتماعی با میانجیگری نگرش‌های ناکارآمد می‌تواند علائم افسردگی در میان نوجوانان را کاهش دهند؛ سخرانی و اصلان^۶ (۲۰۲۴)، در پژوهش «تأثیر آموزش غیررسمی خانواده بر مهارت‌های اجتماعی و هیجانی کودکان» نشان دادند که آموزش غیررسمی در محیط خانواده تأثیر قابل توجهی بر رشد اجتماعی کودکان، از جمله مهارت‌های ارتباطی، همکاری و حل تعارض دارد. کودکان هنجارهای اجتماعی و مهارت‌های بین فردی را از طریق الگویی که توسط اعضای خانواده ارائه می‌شود، می‌آموزند که به آنها در ایجاد روابط هماهنگ و مؤثر کمک می‌کند. علاوه بر جنبه‌های اجتماعی، آموزش غیررسمی نیز نقش مهمی در رشد عاطفی و هیجانی کودکان ایفا می‌کند. حمایت و مراقبت عاطفی ارائه شده توسط خانواده به کودکان کمک می‌کند تا احساس امنیت و ارزشمندی کنند که برای سلامت عاطفی آنها مهم است. از طریق راهنمایی والدین، کودکان یاد می‌گیرند که احساسات خود را تشخیص دهند، ابراز کنند و مدیریت کنند. نقش خانواده در

4. P. Brown & et al.
5. Yu & et al.
6. Syakhrani & Aslan

1. Guo, Tang, Marsh, Parker, Basarkod, Sahdra, Ranta, Salmela-Aro & Katariina
2. Bigham & C. McDaniel
3. Woods

اصلی آن عبارت است از سابقه تأخیر در رشد زبانی مطابق با سن و مشکلات زبانی ساختاری در گذشته یا حال. افراد مبتلا به نقص‌های ارتباط اجتماعی ممکن است از تعاملات اجتماعی اجتناب کنند. اختلال ADHD، مشکلات هیجانی و رفتاری و اختلالات یادگیری خاص نیز در بین این افراد رایج‌تر هستند (چین و همکاران^۵، ۲۰۲۵). در کودکان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی، مشکلات اجتماعی و ارتباطی می‌توانند منجر به مشکلات یادگیری شوند، به‌ویژه یادگیری که از طریق تعاملات اجتماعی یا ارتباط با همسالان صورت می‌گیرد. پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه محدود بوده و تلاش محققان بیشتر بر توصیف و تعریف این اختلال متمرکز شده است. همچنین، چند مطالعه تخمین زده‌اند که شیوع آن حدود ۵ درصد می‌باشد (گاباتوره و همکاران^۶، ۲۰۲۵).

این گروه سنی در رابطه با مشکلات رفتاری آسیب‌پذیرترین گروه است. در صورتی که کودکان به مهارت‌های زندگی مجهز نباشند و توانایی کافی برای درک هیجان‌های خود و دیگران نداشته باشند، در مواجهه با فشارها و بحران‌های ادامه‌دار در دوره نوجوانی ضعیف عمل کرده و با مشکلات بین‌فردی بیشتری روبه‌رو خواهند شد (عظمتی، ۱۴۰۴). این مشکلات عملکرد مناسب فرد در روابط اجتماعی را مختل کرده و نقش مهمی در تداوم آشفتگی‌ها و ناراحتی‌های روان‌شناختی ایفا می‌کند (مالهی‌پور و نظری‌پور، ۲۰۲۳). روابط بین‌فردی ناسالم شامل رفتارهایی است که مانع از برقراری روابط سالم، مشارکت مؤثر با دیگران، همکاری و تقویت پیوندهای اجتماعی می‌شود و اغلب واکنش‌های اجتماعی نامعقولی و نامناسب را به همراه دارد. آموزش مهارت‌های اجتماعی-هیجانی می‌تواند منجر به بهبود توانایی‌های هیجانی و عاطفی، افزایش مهارت‌های اجتماعی، و در نهایت ارتقای کیفیت روابط بین‌فردی شود (تسلیمی و یزدی‌راوندی، ۱۴۰۴). طبق مطالعات گاباتوره، گوئرینی و بوسکو^۷ (۲۰۲۵)، بر گروه سنی ۷ تا ۱۶ سال نشان دادند که علائم این اختلال نه‌تنها در کودکان بلکه در نوجوانان نیز مشاهده می‌شود. اما شناسایی و درمان زودهنگام مشکلات در سنین پایین تأثیر شگرفی بر پیامدهای احتمالی اختلال ارتباط اجتماعی و کیفیت زندگی افراد دارد؛ که این تشخیص زودهنگام می‌تواند در مدارس با ارزیابی‌های بالینی انجام شود؛ همچنین سیمپاک و همکاران^۸ (۲۰۲۱)، در پژوهش خود از طریق شیوه‌های مداخله زودهنگام برای کودکان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی در مدت پنج سال (۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰)، نشان دادند که مداخلات زودهنگام، فشرده و باکیفیت می‌توانند پیامدهای ارتباط اجتماعی را برای کودکان کاهش دهد (پرهیزگار و همکاران، ۱۴۰۴).

تشویق کودکان به کشف علایق و استعدادهایشان نیز اعتماد به نفس و عزت نفس کودکان را افزایش می‌دهد. در مجموع، این مطالعه تأکید می‌کند که آموزش غیررسمی در خانواده پایه و اساس محکمی برای رشد اجتماعی و عاطفی کودکان فراهم می‌کند و آنها را برای رویارویی با چالش‌های زندگی بهتر آماده می‌کند. لیاقت و خان‌محمدی (۱۳۹۷)، در پژوهشی خود در جهت بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس نگرش‌های ناکارآمد و مقایسه آن با مهارت‌های اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر دریافتند که هرچه میزان نگرش‌های ناکارآمد بیشتر باشد، مهارت‌های اجتماعی کمتر است (واحدی و همکاران، ۱۴۰۳).

اگر مشکلات رفتاری و اجتماعی برای مدت‌ها بدون مداخلات ادامه یابد، منجر به بروز اختلالات از جمله اختلال ارتباط اجتماعی و نیازمند مداخلات روان‌شناختی می‌شود (آندرس و همکاران^۱، ۲۰۲۴). اختلال ارتباط اجتماعی تقریباً در همه زمینه‌های زندگی مانند: مشارکت اجتماعی و درک موقعیت‌های اجتماعی محدودیت‌های وسیعی ایجاد می‌کند. افراد مبتلا با درک ارتباطات اجتماعی روبرو هستند که هم بر ارتباطات کلامی و هم غیر کلامی تأثیرگذارند (شو و همکاران^۲، ۲۰۲۵). با توجه به راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-5-TR)، افرادی که در استفاده از ارتباطات کلامی و غیر کلامی برای تعاملات اجتماعی با دیگران دچار مشکلاتی هستند مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی (پراگماتیک)^۳ هستند. اختلال ارتباط اجتماعی یک اختلالات عصبی - رشدی است که در دسته اختلالات ارتباطی گنجانده شده است که مشخصه اصلی آن دشواری در پراگماتیکز یعنی استفاده اجتماعی از زبان و ارتباط است (گنجی، ۱۴۰۱). این افراد در استفاده از ارتباط برای اهداف اجتماعی مانند سلام و احوالپرسی به شیوه مناسب مشکل دارند، نمی‌توانند نحوه ارتباط را تغییر دهند تا با موقعیت مطابقت داشته باشد، در رعایت قواعد صحبت مانند رعایت نوبت در حرف زدن و چگونگی استفاده از اشارات کلامی و غیر کلامی مشکل دارند و آنچه که به وضوح بیان نشده است متوجه نمی‌شوند (استنباط کردن). این موارد برای افراد منجر به ناتوانی در ارتباط مؤثر و صحیح با دیگران، تعامل اجتماعی، روابط اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و عملکرد شغلی می‌شود (پیچاردو و همکاران^۴، ۲۰۲۴). چون ارتباط اجتماعی به پیشرفت رشدی کافی در گفتار و زبان نیاز دارد زمانی قابل تشخیص است که کودک مهارت‌های گفتاری و زبانی کافی کسب کرده باشد تا بتوان نقص‌های مشخص را در ارتباط اجتماعی کشف کرد. رایج‌ترین نقص مرتبط با اختلال ارتباط اجتماعی، نقص زبانی است که مشخصه

5. Jain & et al.

6. Gabbatore & et al.

7. Gabbatore, Guerrini & Bosco

8. Simacek & et al.

1. Andres-Roqueta & et al.

2. Xue & et al.

3. Social (Pragmatic) Communication Disorder

4. Pichardo Jr & et al.

آزمایش (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) جایگزین شدند (امکان تجمیع دانش‌آموزان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی از تمام مدارس در یک فضا به جهت مشکلات اجرایی و اخذ مجوزها ممکن نبود مدرسه‌ای که دارای بالاترین آمار مبتلا به این اختلال بود مورد توجه قرار گرفت). داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و از شاخص‌ها و روش‌های آماری توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد داده‌ها) و سپس از آمار استنباطی برای بدست آوردن تحلیل کوواریانس تحلیل شدند. برای غربال اختلال ارتباط اجتماعی، دانش‌آموزان مدنظر با توجه به ملاک‌های تشخیص در DSM-5-TR، مصاحبه تشخیصی و نظر معلمان (با توجه به پرونده سلامت و مشاوره‌ای آنها) که با جمع‌بندی نظرات قابل ارجاع به کلینیک مشاوره و روانشناسی با تشخیص اختلال ارتباط اجتماعی هستند، گروه هدف تعیین خواهند شد و برای ارزیابی متغیرها از پرسشنامه‌های نگرش‌های ناکارآمد کودکان و نوجوانان دوالساندرو و بورتون (۲۰۰۶) و پرسشنامه ارتباط با همسالان کودکان ماورولی (۲۰۰۸) استفاده شد. گروه آزمایش در ۱۲ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای (حضور) تحت آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری براساس کتاب رشد مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری کودکان (راهنمای والدین و مربیان) از ماریانا کُتی (۲۰۰۹) قرار گرفتند؛ آموزش مهارت‌ها تحت نظر متخصصان حوزه روانشناسی تربیتی انجام شدند.

علیرغم اهمیت مهارت‌های اجتماعی و هیجانی و تأثیر آنها بر دانش‌آموزان و عملکرد موفق آنها تعداد کمی از مدارس برنامه‌های مرتبط با آن را اجرا می‌کنند، با توجه به چالش‌های بین‌فردی در میان نوجوانان و افزایش نگرش‌های منفی و ناکارآمد، همراه با اهمیت بنیادی مهارت‌های اجتماعی-هیجانی در زندگی مدرن امروزی، تدوین برنامه‌های مناسب برای بهبود و اصلاح مشکلات ارتباطی و اجتماعی آنها، در سطح خانواده، جامعه و به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش، به یک ضرورت تبدیل شده است. با توجه به مطالب سؤال اساسی این پژوهش این است که آیا آموزش مهارت‌های اجتماعی، رفتاری و هیجانی بر نگرش‌های ناکارآمد و ارتباط مؤثر با همسالان در دانش‌آموزان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی تأثیر دارد؟

روش

مطالعه حاضر از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل و از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش از روش‌های کتابخانه‌ای و جهت جمع‌آوری اطلاعات برای تأیید یا رد فرضیه‌های پژوهش از روش میدانی (پرسشنامه‌ها) بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهر تهران بود. حجم نمونه تعداد ۳۰ نفر به شیوه هدفمند انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه

جدول ۱. جلسات آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری

جلسات	هدف	محتوای جلسات
اول	آشنایی اولیه	آشنایی اعضای گروه با هم و بیان قوانین گروه و توضیح در مورد پروتکل آموزشی
دوم	خودآگاهی	اجرای پیش‌آزمون (دو پرسشنامه نگرش‌های ناکارآمد و ارتباط با همسالان)
سوم	ابزارهای ارتباط	من کیستم؟ / درمیان گذاشتن افکار و احساسات / درک محدودیت‌ها / عزت نفس / اعتماد به نفس
چهارم	قواعد و نقش‌های اجتماعی	انتخاب کلمات / حالت‌های چهره / زبان بدن / تماس چشمی
پنجم	تعامل با دیگران	قواعد اجتماعی در کلاس درس / محول کردن برخی از مسئولیت‌ها به دانش‌آموزان در مدرسه / قواعد عمومی اجتماعی / نقش‌ها
ششم	دوستی‌ها	دیدار - احوالپرسی - خداحافظی / کم‌روبی / موقعیت‌های ناراحت‌کننده
هفتم	مکالمه کردن	ضرورت دوستی / دوست‌یابی / حفظ دوستی / دوستان دروغین / قضاوت زود هنگام / حفظ دوستی
هشتم	کنار آمدن با دیگران	قواعد مکالمه / خودافشاگری / شروع و پایان / گوش دادن / برقراری ارتباط / همدلی
نهم	جسارت و حفاظت از خود	کار گروهی / بررسی خشم / کنار آمدن با خشم / فحاشی / تعارض و مذاکره / صادق بودن
دهم	انگیزش	حقوق شخصی / جسارت / "نه" گفتن / بازخورد و انتقاد / قلدری / ایمنی اجتماعی
یازدهم	اضطراب	انگیزش شخصی / افزایش انگیزش / تعیین اهداف
دوازدهم	کنار آمدن با تغییر	کنترل اضطراب و هراس / کنترل فشار روانی / آرامش / بردباری
		گرفتن تصمیمات دشوار و اجرایی کردن تصمیم / گذر از ابتدایی به متوسطه
		اجرای پس‌آزمون (دو پرسشنامه نگرش‌های ناکارآمد و ارتباط با همسالان)

ابزارها

پرسشنامه نگرش‌های ناکارآمد کودکان و نوجوانان دوالساندرو و بورتون: این پرسشنامه در سال ۲۰۰۶ توسط دوالساندرو و بورتون ساخته شده است. هدف از ساخت این پرسشنامه ارزیابی نگرش‌های ناکارآمد کودکان و نوجوانان در دو بعد کمال‌گرایی خودمحور (سوالات ۱-۹) و کمال‌گرایی اجتماع‌محور (سوالات ۱۰-۱۸) می‌باشد. این پرسشنامه دارای ۱۸ سوال است و مشارکت‌کنندگان به هریک از گویه‌ها روی طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالفم ۱ تا کاملاً موافقم ۵) پاسخ می‌دهند. در مطالعات شکری و همکاران (۱۳۹۴) مقادیر ضرایب همسانی درونی مقیاس نگرش‌های ناکارآمد برای عوامل کمال‌گرایی خودمحور و کمال‌گرایی اجتماع‌محور به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۲ به دست آمد.

یافته‌ها

جدول ۲. داده‌های توصیفی نگرش‌های ناکارآمد و ارتباط با همسالان در گروه آزمایشی و کنترل برای مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

شاخص آماری			گروه	مرحله	متغیر
تعداد	انحراف معیار	میانگین			
۱۵	۷.۶	۵۲.۲	آزمایش	پیش‌آزمون	نگرش‌های ناکارآمد
۱۵	۹.۲	۷۹.۵	کنترل		
۱۵	۱۰.۲	۳۷.۲	آزمایش	پس‌آزمون	نگرش‌های ناکارآمد
۱۵	۹.۵	۷۹.۰	کنترل		
۱۵	۳.۵	۲۲.۴	آزمایش	پیش‌آزمون	کمال‌گرایی خودمحور
۱۵	۷.۸	۲۱.۲	کنترل		
۱۵	۴.۱	۱۴.۵	آزمایش	پس‌آزمون	کمال‌گرایی خودمحور
۱۵	۸.۵	۲۱.۷	کنترل		
۱۵	۵.۰۵	۲۹.۸	آزمایش	پیش‌آزمون	کمال‌گرایی اجتماع‌محور
۱۵	۶.۷	۲۸.۲	کنترل		
۱۵	۷.۸	۲۲.۶	آزمایش	پس‌آزمون	کمال‌گرایی اجتماع‌محور
۱۵	۷.۰۶	۲۷.۳	کنترل		
۱۵	۳.۸	۳۲.۳	آزمایش	پیش‌آزمون	ارتباط با همسالان
۱۵	۲.۳	۳۲.۵	کنترل		
۱۵	۶.۱	۴۷.۴	آزمایش	پس‌آزمون	ارتباط با همسالان
۱۵	۲.۲	۳۲.۶	کنترل		

زیادی مشاهده نمی‌شود. در گروه آزمایش، نگرش‌های ناکارآمد از میانگین ۵۲.۲ به ۳۷.۲ کاهش پیدا کرده است که به معنای بهبود نگرش‌ها و باورهاست؛ ارتباط با همسالان در گروه آزمایش از ۳۲.۳ به ۴۷.۴ افزایش یافته است که به این معناست که تعاملات و ارتباطات گروه بهبود یافته است؛ یعنی آموزش واقعاً اثرگذار بوده است بنابراین برای اینکه بینیم تفاوت‌ها معنادار هستند یا خیر باید از آزمون کوواریانس استفاده کرد.

نتایج ارائه‌شده در جدول ۱ حاکی از آن است که داده‌های توصیفی نمرات نگرش‌های ناکارآمد (به شکل کلی و با خرده‌مقیاس‌های کمال‌گرایی خودمحور و کمال‌گرایی اجتماع‌محور) و ارتباط با همسالان به تفکیک گروه آزمایش و کنترل در دو مرحله سنجش (پیش‌آزمون و پس‌آزمون) نشان داده شده است. میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش در دو مؤلفه نگرش‌های ناکارآمد و ارتباط با همسالان تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد اما در نمرات گروه کنترل تفاوت

تحلیل کوواریانس برقرار می‌باشد. فرض همگنی شیب‌های رگرسیون با پس‌آزمون‌های نگرش‌های ناکارآمد و ارتباط مؤثر با همسالان به عنوان متغیرهای وابسته و پیش‌آزمون‌های آن به عنوان متغیرهای کمکی (کوواریت‌ها) تلقی شدند؛ مقدار F تعامل کوواریت‌ها (پیش‌آزمون‌ها) و متغیرهای وابسته (پس‌آزمون‌ها) معنی‌دار نیست ($P>0.05$). بنابراین، مفروضه همگنی شیب‌های رگرسیون برقرار است. در مجموع با توجه به اینکه در مفروضه‌های اصلی تحلیل کوواریانس چند متغیری برقرار است، این تحلیل در این پژوهش قابل اجرا است.

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد؛ نتایج نشان دادند که آماره Z برای تمامی متغیرهای پژوهش معنادار است ($P>0.05$) فرضیه تأیید شده و داده‌های تمام متغیرها نرمال است بنابراین می‌توان از آزمون پارامتریک مانند تحلیل کوواریانس استفاده کرد. جهت رعایت فرض‌های آن آزمون لوین بررسی شد؛ نتایج آزمون لوین در متغیرهای پژوهش معنادار نیست ($P>0.05$). از این‌رو فرض صفر ما مبنی بر همسانی واریانس متغیرها مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ بدین ترتیب همسانی واریانس‌ها برای آزمون

جدول ۳. نتایج آزمون کوواریانس برای تعیین تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری بر نگرش‌های ناکارآمد دانش‌آموزان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی

نگرش‌های ناکارآمد	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۴۷۳.۹۴	۲	۲۳۶.۹۷	۸.۲۵	۰.۰۰۵
خطا	۳۴۴.۱۲	۱۲	۲۸.۷۰		
کل	۸۱۸.۴	۱۴			

جدول ۴. نتایج آزمون کوواریانس برای تعیین تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری بر ارتباط با همسالان

ارتباط با همسالان	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۵۱.۰۶	۲	۲۵.۵۳	۶.۱۲	۰.۰۱۵
خطا	۱۵۸.۲۶	۱۲	۱۳.۱۸		
کل	۲۰۹.۳۳	۱۴			

نتیجه‌گیری و بحث

پژوهش حاضر به منظور اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری بر نگرش‌های ناکارآمد و ارتباط مؤثر با همسالان در دانش‌آموزان مبتلا به اختلال ارتباط انجام شد. نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری بر کاهش نگرش‌های ناکارآمد و افزایش رابطه مؤثر با همسالان در افراد مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی مؤثر بوده است و می‌توان برای بهبود ضعف مهارت‌های ارتباطی کودکان و نوجوانان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی از مداخلات مبتنی بر آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری استفاده کرد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های لیاقت و خان‌محمدی (۱۳۹۷) که دریافتند هرچه میزان نگرش‌های ناکارآمد بیشتر باشد، مهارت‌های اجتماعی کمتر است؛ یو و همکاران^۱ (۲۰۲۴) نشان دادند که مهارت اجتماعی با میانجیگری نگرش‌های ناکارآمد می‌تواند علائم افسردگی در میان نوجوانان را کاهش دهد؛ کمبل و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در پژوهش خود برای دانش‌آموزان مقطع دبستان نشان دادند که آموزش

نتایج جدول ۲، نشان می‌دهد با کنترل پیش‌آزمون بین گروه آزمایش و کنترل در نگرش‌های ناکارآمد تفاوت معناداری وجود دارد ($P<0.005$ و $F=8.25$). به عبارت دیگر، آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری با توجه به میانگین گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه کنترل، موجب کاهش نگرش‌های ناکارآمد گروه آزمایش شده است.

نتایج جدول ۳، نشان می‌دهد با کنترل پیش‌آزمون بین گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه ارتباط با همسالان تفاوت معناداری وجود دارد ($P<0.015$ و $F=6.12$). به عبارت دیگر، آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری با توجه به میانگین گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه کنترل، موجب بهبود ارتباط با همسالان گروه آزمایش شده است.

در تشخیص نشانه‌های غیرکلامی، همدلی، درک دیدگاه دیگران و تنظیم رفتار خود در موقعیت‌های بین‌فردی مشکل دارند از این‌رو، برنامه‌های آموزشی هدفمند در ابعاد اجتماعی (شروع مکالمه، حفظ مکالمه، همکاری و ...)، هیجانی (شناخت احساسات خود و دیگران، ابراز هیجانات، کنترل خشم و ...)، رفتاری (رعایت نوبت، پیروی از قوانین و ...) می‌توانند به جبران این کاستی‌ها کمک کنند. تقویت این مهارت‌ها، فرصت‌های بیشتری برای تجربه موفقیت‌های اجتماعی فراهم کرده که خود موجب افزایش عزت نفس و انگیزه برای تعامل با دوستان و همسالان می‌شود؛ این چرخه مثبت به مرور زمان باعث تثبیت رفتارهای سازگارانه و کاهش نشانه‌های اختلال ارتباط اجتماعی می‌گردد.

با توجه به نتایج پژوهش، می‌توان اقدامات پیشگیرانه، مداخلاتی و درمان‌های به‌موقع را در رابطه با نوجوانان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی به کار گرفت. چنین اقداماتی می‌تواند از بروز آسیب‌های غیرقابل جبران جلوگیری کند. علاوه بر این، در عرصه آموزشی معلمان می‌توانند با شناسایی سریع و ارجاع دانش‌آموزان مبتلا به این اختلال به روان‌شناسان متخصص، شرایط لازم برای درمان و مدیریت مؤثر آنها را فراهم آورند. همچنین یافته‌های این پژوهش به والدین کمک می‌کند تا با شناخت ویژگی‌های افراد مبتلا به این اختلال، روش‌های صحیح تعامل و ارتباط با آنان را بیاموزند و از برچسب‌زدن یا رفتارهای نادرست با فرزندان خود خودداری کنند.

پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی همراه بود از جمله: ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه بود که جنبه خودگزارشی دارد؛ جامعه آماری پژوهش که تنها به بررسی دانش‌آموزان پسر در پایه ششم ابتدایی شهر تهران پرداخته شده است و به همین دلیل برای تعمیم نتایج آن باید جانب احتیاط را رعایت کرد. همچنین براساس پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی با حجم نمونه بیشتر و در بازه زمانی طولانی‌تری برای بررسی پایداری اثرات آموزشی انجام شود؛ اثربخشی روش‌های مختلف آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری (آموزش گروهی، بازی‌درمانی، آموزش آنلاین) بررسی شود؛ با توجه به نو بودن حوزه پژوهشی از بابت تمرکز بر اختلال ارتباط اجتماعی پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران آینده به بررسی متغیرها و معیارهای دیگری (مانند: اضطراب اجتماعی، عزت نفس، عملکرد تحصیلی و ... دانش‌آموزان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی) بپردازند. با توجه به اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری پیشنهاد می‌شود تا کارگاه‌های مرتبط برای معلمان، والدین و دانش‌آموزان در مدارس برگزار شود تا کودکان و نوجوانانی که با اختلال ارتباط اجتماعی مواجه هستند برای اقدامات پیشگیرانه شناسایی شوند.

مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری تأثیرات مثبتی در تجربیات دانش‌آموزان و اصلاح مشکلات رفتاری آنها با توجه به گزارشات معلمان داشته است. همچنین در عملکرد آموزشی و موقعیت‌های اجتماعی تأثیر ویژه‌ای داشته است؛ با توجه به اینکه آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری بر روی کودکان و نوجوانان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی انجام نشده بود، این پژوهش با ارائه این آموزش‌ها بر روی گروه هدف نشان داد که آموزش مستمر و منظم این مهارت‌ها برای این گروه می‌تواند مفید باشد. نوجوانان مبتلا به این اختلال به دلیل ضعف‌های اجتماعی و ارتباطی، اتفاقات منفی را از دیدگاه غیرواقع‌بینانه و منفی‌تری دیده و تفسیر می‌کنند، از این‌رو افزایش آمادگی و یادگیری مهارت‌های اجتماعی موجب احساس مثبت آنها می‌شود.

آموزش مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و رفتاری می‌تواند با افزایش توانایی این دانش‌آموزان در مدیریت هیجانات و کنترل رفتارهای ناسازگار به اصلاح الگوهای فکری و نگرشی آنان منجر شود و زمینه رشد روانی-اجتماعی سالم‌تر را فراهم آورد. این تأثیر از مسیرهای شناختی (باورها)، تنظیم هیجان و موقعیت‌های اجتماعی رخ می‌دهد و با افزایش خودکارآمدی تقویت می‌شود. شرط تحقق و پایداری اثر، وفاداری اجرا، تمرین در موقعیت‌های طبیعی، همکاری والدین و معلمان و پیگیری است. لذا فرضیه مطرح‌شده از جنبه نظری تأیید، از جنبه اجرایی عملی و از نظر پیامدی قابل انتظار است.

قربانی و روشن (۱۴۰۲)، در پژوهش خود اهمیت آموزش مهارت‌های اجتماعی را در بهبود وضعیت روانی-اجتماعی نوجوانان نشان می‌دهد و پیشنهاد می‌کند که برنامه‌های آموزشی مبتنی بر مهارت‌های ارتباط مؤثر و مدیریت استرس می‌توانند به‌گونه‌ای مؤثر در افزایش شادکامی و بهبود روابط با همسالان در نوجوانان مورد استفاده قرار گیرند. زیرک‌پور و نجارپور (۱۴۰۰)، در بررسی خود نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کاهش مشکلات بین‌فردی و احساس تنهایی داشت، و این بهبود حتی پس از یک ماه در مرحله پیگیری نیز همچنان پایدار باقی ماند. بنابراین، می‌توان از طریق آموزش این مهارت‌ها، مشکلات بین‌فردی و احساس تنهایی دانش‌آموزان را به طور مؤثری کاهش داد. کلیبر و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود نشان دادند که آموزش مهارت‌های اجتماعی و هیجانی، نقش مؤثری در بهبود روابط بین‌فردی دانش‌آموزان دارد و می‌تواند به کاهش مشکلات میان‌فردی آن‌ها کمک کند؛ همسو بود. در افراد مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی، با شاخصه اصلی خود یعنی دشواری در ارتباط کلامی و غیرکلامی، از ارائه این آموزش‌ها می‌توان برای پیشرفت فوق‌العاده آنها بهره برد. آموزش این مهارت‌ها زمینه‌ساز افزایش توانایی آنان در برقراری تعامل، کاهش مشکلات رفتاری و ارتقای سطح پذیرش اجتماعی است. دانش‌آموزان مبتلا به اختلال ارتباط اجتماعی

دسترسی به داده‌ها

در راستای ملاحظات اخلاقی و حفظ محرمانگی اطلاعات شرکت‌کنندگان، داده‌های این پژوهش به شکل عمومی منتشر نشده است.

تامین مالی

این پژوهش هیچ گونه حمایت مالی مشخصی از سوی نهادهای دولتی، خصوصی یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع مالی، حرفه‌ای یا سازمانی در انجام و انتشار این پژوهش وجود نداشته است.

شفافیت

نویسندگان تأیید می‌کنند که این مقاله گزارشی صادقانه، دقیق و شفاف از پژوهش انجام شده ارائه می‌دهد. هیچ بخش مهمی از فرایند یا نتایج پژوهش حذف نشده و این پژوهش مطابق با اصول اخلاق پژوهش و صداقت علمی انجام شده است. رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان دریافت شده است.

مشارکت‌های نویسندگان

تمامی نویسندگان در شکل‌گیری ایده پژوهش و طراحی مطالعه مشارکت فعال داشته‌اند و پس از بررسی و مطالعه نسخه نهایی مقاله را تأیید کرده‌اند.

References

- Andrés-Roqueta C, Flores-Buils R and Igualada A. (2024). Validation of PleaseApp: a digital tool for the assessment of receptive pragmatic abilities in children with neurodevelopmental disorders. *Front. Psychiatry* 15:1329022.
- Estrada, Janah R. Et al. (2025). Defeating Language Barrier: Exploring Elementary Teachers' Strategies to Improve Communication Skills. *European Journal of English Language Teaching*, [S.l.], v. 10, n. 2, july.
- Feraco, Tommaso., Pellegrino, Gerardo., Casali, Nicole., Carretti, Barbara & Meneghetti, Chiara. (2025). Social, emotional, and behavioral skills in students with or without specific learning disabilities. *Learning and Individual Differences*, 117, 102581.
- Gabbatore, I., Marchetti Guerrini, A. & Bosco, F.M. (2025). Looking for social pragmatic communication disorder in the complex world of Italian special needs: an exploratory study. *Sci Rep* 15, 348.
- Jain, D., Multani, K. S., Dodiya, A., Benani, U., & Iyer, A. (2025). Adaptive behavior and its differences between children with autism spectrum disorder and social communication disorder. *Autism*, 29(4), 829-837.
- Liao, J.; Chen, S.; Liu, Y.; Guo, C. (2024). The Effects of Family and School Interpersonal Relationships on Depression in Chinese Elementary School Children: The Mediating Role of Academic Stress and the Moderating Role of Self-Esteem. *Children*: 11, 327.
- Meskil, Alivia. (2024). Examining the Relationship Between Social-Emotional Skills and Academic Outcomes in Middle Schools. *Southern Illinois University Edwardsville*, 1-54.
- Molahipour Kalahi, H., & Nazarpour, A. (2023). The impact of communication skills training on students' interpersonal communication quality. In *Twelfth National Conference on Law, Social Sciences, and Humanities, Psychology and Counseling*, Shirvan.
- P. Brown, Gray; Delgadillo, Jaime; Golino, Hudson. (2023). Distinguishing the Dimensions of the Original Dysfunctional Attitude Scale in an Archival Clinical Sample. *Cognitive Therapy and Research*, 47:69–83.
- Petit, Brielle Emily. (2023). Emotion Knowledge, Its Applications, and Their Associations with African American Children's Social Relationships with Teachers and Peers in Kindergarten and First Grade. *Dissertations and Theses, Paper 6594*, Portland State University.
- Pichardo, J.M., Foley-Nicpon, M., Fields, D. et al. (2024). Exploratory Factor Analysis of the Social Communication Disorder Screener. *J Autism Dev Disord* 54, 3412–3422.
- Woods, Chloe., Richardson, Thomas., Palmer-Cooper, Emma. (2023). Are dysfunctional attitudes elevated and linked to mood in bipolar disorder? A systematic review and meta-analysis. *British Journal of Clinical Psychology*; 63:16–53.
- Xue, L., Gong, Y., Pill, S., & Han, W. (2025). Communication Disorders and Mental Health Outcomes in Children and Adolescents: A Scoping Review. *Healthcare*, 13(15), 1807.